

خوبی هم داشت و هیچ وقت در این راستا نبودیم که پرونده های اینها را متعدد بکنیم و پرونده های متعددی داشته باشند. در این خصوص در رسیدگی به پرونده های خانوادگی شهدا مشکل عمده ای نداشتیم اما وقت زیادی صرف شده است.

■ با عنایت به تحولات اخیر در سیستم قضایی و احیاء دادسرا، دادگاه شما در رسیدگی به امور کیفری چگونه عمل می نماید؟

ما با توجه به ابلاغ ویژه ریاست محترم قوه قضائیه تا کنون مشکلی نداشتیم و موردی هم پیش نیامد و پرونده های جدید کیفری زیاد داشته باشیم.

ختم کلام: یکی از مسائلی که از مسوولین انتظار داریم در خصوص تدوین قوانین است و این مسئله مجازات های بدل از حبس یکی از مسائل مهم جامعه است. ما برای هر چیزی در قوانین مان فرارهای بازداشت، قرارهای وثیقه، قرارهای کفالت، به هر عنوان دست قضایی را باز گذاشته و می تواند فرد را بازداشت موقت بکند.

به لحاظ عجز از معرفی کفیل یا عجز از تودیع وثیقه و اینها باعث پر شدن زندانها و تصحیح حقوق مردم می شود در صورتی که در اسلام این قدر زندان نداریم؛ در خصوص تعزیرات هر چه حاکم خودش مصلحت بداند و تخیر هم هست دادگاه می تواند و اختیار دارد در تعزیرات طرف را حبس بدهد یا شلاق و یا به جریمه نقدی محکوم بکند وقتی تخیر هست و حق انتخاب با حاکم است بهترین راه که زندانها را پر نکنیم جریمه نقدی است و از این رو با توجه به امضاء شارع مقدس که این اختیار قضایی گذاشته است. آقایان در این خصوص وقت لازم را بکنند و حتی امکان افراد را زندان نکنند و به علت عجز از تودیع وثیقه یا حتی معرفی وکیل یا جرائمی که ضرر به اجتماع ندارد روانه زندان نکنند. منتهی در خصوص جریمه حاکم اختیار داشته باشد تا یکی را کمتر و دیگری را بیشتر جریمه کند و حدود آن را خودش مشخص کند و اگر بتوانیم به این وسیله انگیزه های وقوع جرم را به حداقل برسانیم یک توفیق بزرگی است برای قوه قضائیه، برای اینکه ما در این مدت از شلاق هایی که زدیم نتیجه خوبی نگرفتیم جواب خوبی نداده و کینه افراد را نسبت به نظام بیشتر کرده است. شارع مقدس هم جهت است که اختیار را به قاضی داده است تا از تبعید و زندان یا شلاق یا جریمه یکی را انتخاب بکند تا مفید به حال جامعه باشد با توجه به وضعیت فرهنگی زندان های ما. بنده اعتقادم این است که قوه قضائیه هر چه سریعتر باید این مشکل تربیتی و فرهنگی زندانها را حل بکند و تا آنجایی که ممکن است کسی به خاطر مسائل کوچک به زندان نرود مگر اینکه مسائل مهم باشد و چاره ای جز حبس نباشد.

«تقی خلیل زاده اپروانی اقدم رئیس شعبه ۲۴۶ دادگاه خانوادگی تهران ویژه خانواده های معظم شهدا»

نتیجه خوبی نگرفتیم

درازای اتمام سطوح عالی حوزه علمیه قم می باشد. در سال ۱۳۵۹ شروع به کار قضایی نموده و در سمت معاون دادسرا مبارزه با متکرات، دادیار دادسرای انقلاب اسلامی ویژه امور اقتصادی، دادستان انقلاب اسلامی دماوند، دادیار اصل ۴۹ قانون اساسی در دادسرای انقلاب اسلامی تهران، معاون دادستان انقلاب، مشغول به فعالیت بوده و از سال ۱۳۶۹ با امر به مقام معظم رهبری و ابلاغ ویژه ریاست قوه قضائیه، تحت شعبه ای ویژه به پرونده های خانواده های شهدای سراسر کشور رسیدگی می نماید.

■ اگر عسر و حرج زوج احراز شده آیا می توان او را اجبار به بذل مهریه نمود؟

در صورتی که زوج در عسر و حرج باشد هیچ کس نمی تواند اجبار به بذل مهریه نماید. چون از دیون ممتاز است باید زوج پرداخت کند مگر اینکه خود زوج به بذل نماید.

■ چنانچه زوج امکان تمکین را از بین برده باشد با اعلام تمکین مستحق نفقه خواهد بود یا خیر؟ از زمانی که اعلام تمکین می کند مستحق نفقه است یعنی قبلاً تمکین نمی کرده استحقاق نفقه را ندارد.

■ در رسیدگی به پرونده های خانواده های شهدا به چه مشکلاتی با موانعی روبرو هستید؟

مسائل خانوادگی شهدا مسائل حساس و خاصی است چون اینها وارثان انقلاب و مالکین انقلاب و حاملان ارزشهای انقلاب هستند و انتظارات خاص و ویژه ای را از دادگاه انتظار دارند و این مسئله بسیار مسئله مهم و حساسی است و انتظارات آنها انتظارات به جا است. لذا از زمانی که این خانواده ها به دادگاه مراجعه می نمایند و می گویند باید دادگاه معضلات و مشکلات ما را حل کند. چون انتظارات از دادگاه این است، دادگاه مواجه می شود با خواسته های غیر معقول بعضی ها که نمی دانند محکمه باید بی طرف باشد دادگاه نمی تواند طرف قضیه را بگیرد و حمایت بکند. از یک طرف چون تمام افراد جامعه در برابر قانون بالنسبه و مساوی هستند. خواه رئیس جمهور باشد یا کارمند جزء یا خانواده شهید فرقی نمی کند. لذا ما باید مدتی وقتمان را تلف بکنیم تا آنها را توجیه نماییم غیر از این تاکنون با هیچ مشکلی مواجه نبودیم و الحمدلله قبل از تشکیل پرونده جلسات متعددی با اینها تشکیل دادیم و آنها را اکثراً به صلح و سازشی دعوت کردیم و نتایج بسیار

نه بائن دانسته اند؛ بلکه آن را در حکم طلاق بائن می دانند که تفصیل این مطالب معنونه نیازمند سعه وقت و فرصت بیشتری است و از بیان جزئیات فعلاً خودداری می کنم و در صورت لزوم طی جلسات آتی به تفصیل در این خصوص صحبت خواهیم کرد.

■ آیا عسر و حرج در عقد موقت نیز مصداق پیدا می کند یا خیر؟

اصولاً همانطور که قبلاً هم اشاره شد طلاق مخصوص عقد دائم است و عقد موقت با انقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر پایان می پذیرد و در پاسخ به این سؤال قانون مدنی ساکت است ولی با بررسی نظر فقها در این خصوص در می یابیم که حاکم می تواند عقد موقت را فسخ نماید و یا بقیه مدت را بذل نماید و اطلاق ادله حرج موجود در طلاق عسر و حرجی شامل این مورد هم می شود و از این جهت فرقی بین عقد دائم و منقطع قائل نشده اند.

■ آیا عسر و حرج در حقوق کشورهای دیگر نیز جریان دارد؟

البته اینجانب بررسی تطبیقی در این زمینه نکرده ام ولی آن طور که خاطر هست مقاله ای در این خصوص دیده ام که ظاهراً در کشورهای متعددی دیگری نیز عسر و حرج یا نظریه حادثه پیش بینی شده یا نظریه تخیر اوضاع و احوال پذیرفته شده است. همانطور که گفتم پذیرش این قاعده علاوه بر اتکا به منابع اسلام مانند قرآن و سنت و اجماع متکی به عقل نیز هست و عقل محض خود گواهی به این مطلب می دهد در صورتی که چیزی مشقت غیر قابل تحمل بر انسان وارد کند قابل رفع باشد چه ادامه زوجیت باشد یا عنوان دیگر.

■ آیا حرج امر شخصی است یا نوعی و این شخصی و نوعی بودن یعنی چه؟

در این مورد دو نظر وجود دارد و بعضی حرج را امر نوعی دانسته اند و قائل به این مطلب هستند که حرج آن است که علاوه بر سخت بودن انجام آن بر فاعل است اکثریت مردم نیز آن را عملی سخت و پز مشقت بدانند و به مجرد اینکه انجام عملی بر کسی سخت بود نمی توان آن را حرجی دانست بلکه عموم مردم نیز باید آن را سخت بینارند و ملا احمد نراقی به این نظر است.

نظر دیگر این که حرج امر شخصی است و عمل باید نسبت به یک شخص خاص و در مورد خاص در شرایط معین برای یک شخص مشقت و سختی داشته باشد و از علمای متأخر نظر حضرت آیت اله مکارم شیرازی بر آن استوار است و بحث در خصوص اینکه کدام یک از این دو نظر مقرون تر به واقع است نیازمند بررسی ادله و تفصیل بیشتری است و همانطور که بیان شد در صورت نیاز و لزوم در جلسات آتی به آنها خواهیم پرداخت.